



بررسی عناصر فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی و تعاریف آنها

حسنعلی فریدونی^۱

مرجان عمادی^۲

چکیده

در تعریف، نسخه خطی را می‌توان شامل اوراقی دانست که بر روی آن مطالبی با دست توسط قلم یا مرکب نوشته شده و آن اوراق از یک طرف به هم متصل و پیوسته و از طرف عطف بین دو جلد قرار گرفته باشد.

این مقاله با استفاده از کتاب‌ها و مقالات مختلف در مورد نسخ خطی به تحریر و نگارش در آمده است تا محققان و پژوهشگران بتوانند با عناصر فهرست‌نویسی نسخ خطی اعم از پیشینه، عنوان اصلی و فرعی، موضوع، مولف، کاتب، محل کتابت، تاریخ کتابت، ارزش کتابت، کاتب نونویس، حاشیه، محشی، نوع خط، مترجم، آغاز و انجام نسخه، افتادگی و نقص‌های نسخه، نفاست نسخه، طرز نگهداری و حفاظت نسخه، محل نگهداری نسخه، آفات و آسیب‌های نسخه، مشخصات انواع کاغذ مورد استفاده در نسخ، تجلید نسخه، نقوش و تزیینات روکش جلد‌ها، نوع و کیفیت خط، اندازه اوراق، تزیینات نسخ، نشانه‌های خاص نسخه، تاریخ اهدا نسخه، تهیه نسخه پشتیبان از نسخ خطی، علائم اختصاری نسخ به سادگی آشنایی پیدا کنند.

کلیدواژه‌های موضوعی: نسخه خطی، فهرست‌نویسی، فهرست‌نگاری

مقدمه

نسخه خطی کتابی دست‌نوشته است که تاریخ نگارش آن مربوط به قبل از اختراع چاپ یا همزمان با اختراع چاپ است. (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ۴۱۰) دو دلیل ارزشمند بودن نسخه‌های خطی، قدمت و علمی یا تحقیقی بودن آنها است. شناخت نسخه‌های خطی در انتخاب، بررسی و تصحیح آنها سهمی بسیار مهم دارد. اجزای نسخه‌های خطی به مادی و هنری (معنوی) تقسیم می‌شوند که کاغذ، قلم، خط و خوشنویسی جزء اجزای مادی و تذهیب، ترصیع، تجلید و مانند آن اجزای هنری به شمار می‌روند. الخوری کتابشناس الجزایری معتقد است: "قسمت اعظم فکر بشری از طریق نسخه خطی به نسل‌های آینده انتقال پیدا کرده است و سیر و سفر نسخه خطی باعث سیر افکار بشری در اقصی نقاط دنیا شده است. معرفی کتاب‌های خطی نهفته در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نخستین گام در خدمت به عالم علم است." (وفادار، ۱۳۷۹، ۲)

فهرست‌نگاری کتب خطی شامل دو اصل اساسی کتابشناسی که مشتمل بر قسمت‌های معنوی کتاب (عنوان، زبان، موضوع، مولف و...) که جنبه علمی دارد و نسخه‌شناسی که مشتمل بر قسمت‌های ظاهری کتاب (کاغذ، نوع خط، کاتب، تاریخ و محل تحریر...) که جنبه تجربی و عملی دارد است.

فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در ایران و کشورهای اسلامی دیگر سابقه‌ای طولانی دارد. هدف از فهرست‌نگاری کتب خطی مشخص کردن ارزش معنوی کتاب و درجه سودمندی آن است که خواننده دریابد که آیا برای مقصود علمی او مفید است یا نه. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۲)

۱. کارشناس علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، freidonyhasan@yahoo.com
۲. کارشناس علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، memadi2010@yahoo.com



عناصر مطرح در فهرستنویسی نسخه های خطی

نسخ خطی ارزش های فراوان تاریخی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دارند. تحقیق و بررسی این آثار ما را به دنیای گذشته وارد می کند ولی متأسفانه با اینکه شناخت نسخ خطی اهمیت فراوانی دارد تا کنون در این باره به طور جدی قدمی برداشته نشده است. در زیر به معرفی عناصر مطرح در فهرستنویسی نسخه های خطی می پردازیم:

۱. عنوان اصلی نسخه

مهم ترین بحث کتابشناسی نزد فهرست نگاران که باید به آن توجه کامل داشت ثبت عنوان و نام کتاب است زیرا خوانندگان در وهله اول که می خواهند نسخه را مطالعه کنند به عنوان و نام اثر مراجعه و توجه می کنند. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۶، ۳۷)

هر کتاب نامی (عنوان) دارد. نام کتاب به نص مولف در خود کتاب یا شاگردان یا کاتبان معین می شود. در بسیاری از نسخه ها آغاز یا در صفحه عنوان یا انجام و خاتمه کتاب یا در میانه نسخه نام کتاب مشخص می شود. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۱۶-۱۷) عنوان اصلی معمولاً پس از "اما بعد" در خطبه اولیه کتاب می آید. محل عنوان معمولاً در صدر کتاب، صفحه اول، میان کتیبه و پیشانی است. گاهی عنوان کتاب را در عطف بیرونی جلد یا حتی سطح حاصل از لبه های برآمده از اوراق یا آخر کتاب که به آن انجامه یا ترقیمه می گویند باید جستجو کرد. اگر کتاب چندین جلد داشته باشد ممکن است عنوان کتاب در جلد های دوم و سوم آمده باشد، گاهی نیز عنوان را از جای دیگری در وقفنامه ها، عرض دیده ها، تملک نامه ها و برگه های خرید و فروش باید یافت. ممکن است نام کتاب در جایی که از اهدای کتاب سخن به میان آمده است یا حتی در فهرست مندرجات آمده باشد.

۲. عنوان فرعی و مشهور

گاهی اوقات کتاب ها علاوه بر عنوان اصلی دارای عنوان یا عناوین فرعی و مشهور هستند و کتاب را که مولف نام داده است ملاک قرار داد و برای نام مشهورارجاع ساخت. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۵۸-۱۵۹) در این گونه موارد، عنوان کتاب، طبق بیان و تسمیه مولف به صورت کامل نقل می شود و عنوان مشهور درون دوکمان در ادامه عنوان اصلی و یا ضمن مطالب کتابشناسی ذکر می شود. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۱۷)

۳. موضوع نسخه

یکی از گزینه های مهم که در نسخه های خطی حائز اهمیت است تعیین موضوع است. در کتاب های جدید روش تقسیم بندی جهانی پیش گرفته می شود و برای کتاب های کهن بهتر است تقسیم بندی علمی فرهنگی زمان نگارش کتاب یعنی تقسیم بندی دانشمندان آن فرهنگ ملاک قرار داده شود. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۶۲) دانشمندان معاصر با الهام از تقسیم بندی موضوعی "ملویل دیویی" (۱۸۱۵-۱۹۳۱ م.) ابتدا ده قسمت اصلی برای موضوع کتاب های خطی قائل شده اند و تقسیمات جزئی تر بدون رعایت اصول تقسیم بندی اعشاری ذکر نموده اند، این موضوعات شامل: علوم فلسفی، علوم دینی، علوم اجتماعی، علوم، هنرهای زیبا، ادبیات، تاریخ، جغرافیا، سفرنامه و کلیات می باشد. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۲۲)



در بعضی مواقع کتاب های خطی درباره یک موضوع خاص نیست و موضوعات متنوعی را پوشش می دهد که در این صورت باید یک موضوع را بر موضوع دیگر ترجیح داد و آن را به عنوان موضوع اصلی انتخاب کرد. نوع کتابخانه و شرایط آن در مورد موضوعات کتاب های خطی بی تاثیر نیست؛ مثلاً موضوع نسخ یک کتابخانه مذهبی ممکن است بیشتر قرآن و علوم قرآنی، فلسفه و عرفان باشد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۶۳)

۴. مولف

اطلاعات مولف شامل نام، لقب، کنیه، نام پدر و اجداد، شهرت و گاه چندین نام مشهور، بیان مذهب فقهی و کلامی بر حسب ضرورت، تاریخ تولد و وفات، حوادث خاص در زندگی، استادان، اجازات، تالیفات معروف و ناشناخته وی می شود. نام مولف گاهی اوقات در خود کتاب مشخص می شده یا شاگرد، راوی یا سرگذشت نگار آن را معین می کند.

در گذشته بنا به دلایل زیر نام مولف در کتاب نمی آمده است:

- ۱- تواضع و فروتنی مولف ۲- اعتقاد مولف بر اینکه خالق همه چیز خداست و شایسته نیست نام خود را ذکر کند.
 - ۳- کاتب از عمد و غرض نام مولف را حذف می کرد. ۴- مولف در زمان نگارش بر طبق رسوم می خواسته نام خود را در پایان کتاب ذکر کند که فراموش کرده یا از دنیا رفته است.
- اگر از مولف در هیچ کجای نسخه نوشته نشده باشد، آنچه که فهرست نگار به عنوان نویسنده تشخیص می دهد را داخل پرانتز قرار می دهد. (جابری، ۱۳۸۹، ۵۰)

۵. کاتب

استنساخ یا نسخه برداری و به بیانی، تکثیر کتب خطی حداقل قبل از ورود صنعت چاپ توسط جماعت کاتبان صورت می پذیرفت. کاتب در تمدن اسلامی با نام های: صحاف، وراق، مستنسخ، کاتب و نویسنده خوانده می شده است. شغل کاتب در صدر اسلام محدود بر کتاب وحی بود، ولی در ادامه، مساله کتابت دامنه وسیع پیدا نمود و شبکه های مختلفی برای کتابت به وجود آمد و به مرور برای کاتب آداب طهارت و باطن الزامی گردید. به دلیل اهمیت نقش کاتب در اعتبار ارزش نسخه، نقل و ضبط نام او در فهرست های خطی بسیار ضروری است.

۶. محل کتابت

کاتبان در قرون اولیه با علوم و فنون روزگارشان آشنا بودند و علاوه بر کتابت، محل کارشان، به مجالس علمی و ادبی بی شباهت نبود و چه بسا که بعضی از دانشمندان بزرگ از میان کاتبان و وراقان برخاسته اند. ذکر نام محل کتابت اعم از مدرسه، خانقاه، کتابخانه، مسجد و حتی نام شهرها و روستاها علاوه بر فواید جغرافیایی از لحاظ تعلیم و تربیت و مطالعه سیر فرهنگ ها و اندیشه ها در نسخ خطی قابل توجه است. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۵۷)

۷. تاریخ کتابت

کاتبان نسخ خطی معمولاً در خاتمه نسخه ها مطالبی از قبیل اسم کاتب و پدران و نسبت کامل و تاریخ از روز و ماه و سال و حتی ساعت تحریر را می نویسند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۴۸) استخراج برخی از تاریخ کتابت، بسته به میزان دانش یا تفنن طلبی کاتبان، محتاج تعمق بیشتر است. از آنجا که تاریخ گاهی هم به عدد نگاشته شده و هم به



حروف و احیاناً باهم منطبق نیست، ناگزیر باید یکی را ترجیح داد. اگر قرینه ای در کار باشد که آسان است و اگر نبود با توجه به نگارش حروفی که دقیق تر و میزان خوانایی بیشتر را داراست، اولویت با نگارش حروفی است. (جابری، ۱۳۸۹، ۵۴-۵۵)

تاریخ کتابت را به روش های ذیل می توان در کتاب ها خطی پیدا نمود:

۱. تاریخ تالیف و تقدم آن بر تاریخ تحریر ۲. تاریخ های مندرج در یادداشت های صفحه بدرقه و آخر نسخه ۳. اگر کاتب و مولف یکسان بود که تاریخ تحریر واضح است و اگر مولف یا کاتب فرد دیگری باشد تاریخ کتابت یقیناً از حدود زندگی کاتب تجاوز نمی کند. ۴. آگاهی از تاریخ پیدایش خطوط در تمدن اسلامی (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۶۴)

۸. ارزش کتابت

تصرفات کاتب و یا صحیح و مغلوط بودن نسخه از مسائلی است که فهرست نگاران به آن توجه مبذول داشته اند. برخی از دلایل وجود اشتباه در کتاب های خطی توسط کاتبان عبارتند از: ۱- تند نویسی کاتب به دلایل مختلف از جمله امرار معاش، ۲- خستگی و خطای دید کاتب، ۳- انتقال اغلاط از نسخه ماخوذ عنه به نسخه جدید، ۴- عدم تبحر کاتب نسبت به موضوع کتاب به میزان لازم، ۵- نازیبایی خط نسخه قبل و ناخوانی آن (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۶۰) برای تشخیص نسخه های خوب، گروهی از اهل ادب و دانش نسخه هارا با نسخه های اصیل سالم مطابقت می دهند و ضمن بازخوانی و مطابقت، آنها را اصلاح می کنند و در آخر امضاء و مهر خود یا یکی از آنها را که نشانه تایید است در پای نوشته ضرب می نمایند. (ریشار، ۱۳۸۵، ۴۵)

۹. کاتب نونویس

هنگامی که کاتب موفق به اتمام تحریر نسخه نگردیده و یا نا تمام مانده یا اوراق ساقط و حذف گردیده بعدها ادامه آن توسط کاتب دیگری تکمیل شده است. در این موارد، فهرست نگاران نام کاتب نونویس، نوع خط (نسخ، نستعلیق، ...) و تاریخ و محل نونویسی را در محل مورد نظر نقل و ضبط می کنند. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۶۰)

۱۰. حاشیه نسخه

حاشیه در لغت به معنی کناره کاغذ یا کناره هر چیز دیگر را می گویند. در عرف نسخه نویسان به کرانه های سه گانه یا چهارگانه صفحات نسخه گفته می شود که یا بیاض است یا متضمن ضبط های صحیح موارد مغلوط متن یا نمایه گونه اختلاف نسخه ها و گاهی نیز متضمن شرحی کوتاه و بلند که به جهت ایضاح اشارات متن فراهم شده و در حاشیه نویسانده شده است و یا پاره ای سقطات متن را که کاتب به سهو انداخته و در حاشیه نویسانده است. حاشیه ممکن است متضمن اضافات و یادداشت هایی باشد که به هیچ وجه از مولف نبوده و سپس توسط کاتب یا ذریعه مالک نسخه در حاشیه نویسانده شده باشد و عموماً می کوشیدند تا از نوشتن نکته ها، اشاره ها و مطالب نامفید در حاشیه اجتناب نمایند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۲) و اگر یادداشت های مقابله و تصحیح، شرح و توضیح واژه ها و عبارات و موارد دیگری درج شده باشد فهرست نویس بهتر است در نسخه شناسی و گاهی در پانویسی به آنها اشاره کند. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۹)



۱۱. محشی

نام فردی است که حاشیه نویسی نسخه را انجام داده است. بین رموز محشی، مولف و کاتب فرق بسیاری وجود دارد، زیرا در بعضی نسخه های خطی رموز و اختصاراتی مشاهده می شود که به کاتب مرتبط نمی شود و مولف یا محشی جهت تسهیل نگارش، آنها را بکار برده اند. فهرست نگاران این گونه رموز را در بخش نسخه شناسی ضمن عبارات متن یا پاورقی فهرست متذکر می شوند. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۱۰۱-۱۰۳)

۱۲. نوع خط حاشیه

برخی از نسخه های خطی دارای حاشیه می باشند. برای همین، فهرست نگاران ضمن بیان نوع خط متن، انواع خطوط حاشیه و ترجمه را مستقلاً مشخص کرده و حتی در معرفی خطوط حاشیه دقت لازم را انجام می دهند. (فدائی، ۹۴، ۱۳۸۶)

۱۳. مترجم

شخصی است که عین مطالب یک کتاب یا رساله یا مقاله را به زبان فارسی یا زبان دیگر ترجمه می کند. ترجمه به اصطلاح امروز بر دو نوع است: ۱- تحت اللفظی - آزاد: مترجم به هیچ وجه از ترجمه بین الفاظ و اصل عبارات منحرف نمی شود. ۲- مترجم مطالب را درک می کند و با عبارات خود انشاء می کند علاوه بر تغییرات عبارتی گاهی در معنی و موضوع هم دخل و تصرف می کند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۴۴)

۱۴. آغاز نسخه

به طور اعم آغاز کتاب دو گونه است با این توضیح که گاهی آغاز کتاب دارای مقدمه یا خطبه ای است که نگارش مولف نیست. برخی کتابشناسان برخلاف شیوه عملی اکثر فهرست نگاران معتقدند چون غالب نسخه ها در ابتدا عباراتی به صورت دیباچه یا بראعت استهلال یا خطبه دارند به اصطلاح از "بسمله"، "فاتحه" و "خطبه" به نقل دو سه کلمه اکتفا و بعد از آن چند نقطه گذاشته می شود و بعد اصل مطلب شروع می شود. اکثر فهرست نگاران اولین جمله کامل مولف را با استفاده از واژه آغاز شروع می کنند و برخی دیگر با نگارش جمله زیر "آغاز بعد از بسمله و خطبه مختصر" یک جمله کامل از آغاز تالیف را نقل می کنند و اگر کتابی دارای چندین جلد باشد آغاز هر مجلد را مستقلاً نقل می کنند. (وفادارمرادی، ۱۳۷۹، ۴۰)

۱۵. انجام نسخه

عبارت پایانی نسخه خطی را که پس از اتمام متن کتاب توسط کاتب نگاشته می شود "انجامه" یا "ترقیمه" می گویند. مطابق با آداب نسخه نویسی، کاتبان از ابتدا تا انتهای کتاب عیناً همه مطالب را از روی نسخه (نسخه ای که از روی آن رونویسی می شد) با حفظ رعایت امانت استنساخ می کردند و پس از اتمام متن کتاب، عبارت پایانی نسخه را مخصوص خود می دانستند تا کاتب در آنجا با جمله (تم الكتاب) یا (تمت) اتمام نسخه را



اعلام کنند و انجام در واقع بخشی از هویت و معرفی نسخه است و کاتبان معمولاً عبارت انجام را با خط یا قلمی متمایز از قلم و خط متن نسخه می نوشتند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۲۸)

۱۶. افتادگی و نقص های نسخه

نسخه ای که فهرست می شود ممکن است ناقص باشد. یعنی از اول یا آخر یا میانه صفحاتی ساقط داشته باشد. باید این نقیصه را یادداشت کرد و اگر نسخه ناقص را تکمیل کرده باشند باید صفحات نویسنده و تاریخ تحقیقی یا تقریبی آنها را تعیین و ذکر نمود. (بیانی، ۱۳۵۳، ۴۷) چنانچه نسخه خطی از اول و آخر ساقط داشته باشد برای تعیین تقریبی اوراق ساقط با مراجعه به مقالات و فهرست ها و مقابله نسخه کامل دیگر کامل می شود. اگر این بررسی به جایی نرسید باید نسخه را به طور کامل وصف نمود تا اگر نسخه کامل دیگری از آن، فهرست نگار دیگری پیدا کرد بتواند دریابد که این دو یکی است. (مطلبی کاشانی، ۱۳۸۱، ۳۷۲)

۱۷. نفاست نسخه

توضیحات درباره نفاست نسخه های خطی بسیار مهم است، زیرا علاوه بر تاثیر غیر مستقیم در شناخت ارزش گذاری نسخه ها، جهت خوانندگان فهرست ها اعم از محققان، پژوهشگران، خطاطان و... راهنمای مفیدی در دسترسی سریع و آسان به نسخه های مطلوب خواهد بود. به صورت کلی صفت نفیس به دو دسته از نسخه های خطی تعلق دارد: ۱- نسخه هایی که متضمن ابعاد هنری است مانند: خط خوش، کاغذ، قلم، انواع تذهیب، ترصیع و جلد های هنری و ۲- دسته دیگر از نسخه های نفیس، نسخه هایی هستند که از نظر هنری هیچ گونه امتیازی ندارند ولی به لحاظ کتابشناسی، فواید فرهنگی و اعتبار ضبط مندرجات آنها نفیس می باشد. اهمیت نفاست این گونه نسخه ها عبارت است از:

- الف- نسخه منحصر به فرد باشد: تنها یک نسخه از کتاب در کتابخانه های دنیا موجود باشد.
 - ب- کتابت نسخه به قلم مولف، شاگردان و علمای بزرگ باشد.
 - ج- نسخه به لحاظ تاریخ کتابت و یا حداقل در زمان حیات مولف نوشته شده باشد.
 - د- دارای ظهیره و یادداشت های منحصر به فرد در صدر و ذیل اوراق متن باشد.
 - ه- نسخه در موضوع مربوطه از کتب معتبر به چاپ نرسیده باشد.
 - و- کتابت نسخه بیانگر رسم الخط دوره های کهن تاریخی باشد.
 - ز- نسخه معلق به حواشی، تصحیحات، مقابله مولف، شاگردان وی و دیگر علمای بزرگ باشد.
- فهرست نگاران با مطالعه نسخه میزان درجه نفاست نسخه را مشخص می کنند و با عبارات بسیار نفیس، نفیس، ممتاز، متوسط و عادی میزان نفاست نسخه را یادآوری می کنند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۲۱)

۱۸. طرز نگهداری و حفاظت نسخه

عواملی که باعث آسیب رساندن به نسخه های خطی می شوند به چهار گروه تقسیم می شوند: ۱- عوامل فیزیکی ۲- عوامل شیمیایی ۳- عوامل بیولوژیکی ۴- عوامل غیر منتظره و هر یک از این عوامل تقسیماتی دارند و مبارزه با هر یک از آنها دانش و تخصص خاصی لازم دارد و یک کتابخانه خطی باید به کلیه عوامل توجه داشته باشد و همواره برای مبارزه با این عوامل آماده باشد. حفاظت از نسخه های خطی بسیار حساس می باشد،



مدیریت انتخاب و استفاده از روش های گوناگون ضد عفونی، حفاظت و مرمت کار ساده ای نیست، مدیریت مجموعه علاوه بر تخصص کتابداری و اطلاع رسانی و آشنایی با نسخ خطی لازم است با شیمی و حوزه های مرتبط با آن آشنا باشد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۱۶) پس لازم است که اولاً نسخه های خطی در شرایط مناسب حفاظت و درجه حرارت و رطوبت استاندارد و عاری از آلودگی باشد. و ثانیاً نسخه ها یی که به هر نحو دچار آسیب شده اند با اقدامات مفید محافظت شوند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۱۵)

۱۹. توضیحات

در بعضی از نسخه های خطی نکاتی است که در معرفی آنها بسیار مهم است، مثلاً ممکن است نسخه جز زیبایی ظاهر عناصر دیگری مانند خط، جلد، کاغذ، تذهیب و... که از لحاظ کیفیت یا قدمت ممتاز باشند باید در قسمت توضیحات در مورد آنها یادآوری شود. در قسمت توضیحات این نکات نوشته می شود: ۱- نسخه به خط مولف یا منقل از خط مولف است. ۲- نسخه به خط یکی از علما و بزرگان است. ۳- در حواشی کتاب توضیحات و تصحیحات به خط مولف یا دانشمندان و بزرگان است. ۴- متعلق به کتابخانه یکی از بزرگان و علما است. ۵- برای مسجد یا محل خاصی وقف شده است. در تمام این موارد باید نکات را صریح و دقیق یادداشت کرد و اگر عبارات این مطالب کم و کوتاه باشد باید همان مطالب را نوشت و اگر نسخه ای ساقط باشد باید این نقیصه را یادداشت نمود و اگر نسخه بعدها تکمیل شده باشد باید ذکر شود و تاریخ نونوشته را یادداشت کرد. (بیانی، ۱۳۵۳، ۵۰)

۲۰. محل نگهداری نسخه

در گذشته همه کتابخانه ها، کتابخانه خطی بودند، پس از اختراع چاپ و گسترش کتاب های چاپی استفاده از نسخه های خطی محدود شد و بسیاری از کتابخانه های بزرگ و قدیمی به نگهداری نسخه های خطی پرداختند. کتابخانه های آستان قدس رضوی، ملی، مجلس، ملک، سلیمانیه ترکیه و کتابخانه دولتی مسکو و... دارای نسخه های فراوان و ارزشمند هستند که به محققان داخلی و خارجی خدمات لازم را ارائه می دهند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۸)

۲۱. محل تالیف

شهری که نسخه در آنجا تالیف شده است و چنانچه محل تالیف در کتابی که فهرست می شود ذکر نشده باشد فهرست نگار با مراجعه به کتب کتابشناسی اطلاعات مورد نظر را استخراج و با اشاره به مأخذ مربوطه به نقل و ثبت آن مبادرت می ورزد، مانند المختصر فی شرح التلخیص (عربی) تالیف سعدبن عمر تفتازانی - براساس کشف الظنون ۴۷۴/۱ در نجوان سال ۷۵۶ به پایان رسیده است و در بعضی نسخه ها کاتب موفق به اتمام تحریر نسخه نگردیده و یا به دلایلی نسخه ناقص مانده است و در قرون و سال های بعد توسط کاتب دیگری تکمیل شده است در این گونه نسخه ها فهرست نگاران، محل نو نویسی را در محل مورد نظر یادداشت می کنند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۳۶-۶۰)

۲۲. آفات و آسیب ها



عوامل آسیب رسان به نسخ خطی را به چهار گروه تقسیم می‌کنند، عوامل شیمیایی، عوامل فیزیکی، عوامل بیولوژیکی و عوامل غیر منتظره یا غیر متعارف، یکی از این آفات قارچ است کتابخانه‌هایی که در نزدیکی دریا قرار دارند بسیار آسیب‌پذیر هستند نمک موجود در هوای این مناطق روی مواد رسوب می‌کند و به دلیل این مواد خاصیت جذب رطوبت نمک را دارند محیط برای رشد قارچ و موجودات ذره‌بینی مناسب می‌شود و دیگر از آسیب‌ها حشرات هستند که به نسخه‌ها آسیب می‌رساند، حشرات بیش از شش میلیون نوع هستند، سوسک‌ها به تنهایی بیش از ۵۰۰ هزار نوع هستند و یکی دیگر از عوامل آسیب‌ها کپک زدگی است به قارچها که در اصطلاح عامیانه کپک می‌گویند و بیش از ۱۰۰ هزار نمونه از آنها شناخته شده است و احتمالاً ۲ میلیون دیگر نیز هست که هنوز شناسایی نشده‌اند و البته برای از بین بردن قارچها روشهای جدید بسیاری آزمایش شده و موفقیت‌آمیز نیز بوده است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۱۶-۱۱۷)

پس باید نسخه‌ها در جایی نگه داری شود که عاری از انواع میکروب و آفت‌ها باشد و امکان رشد میکروب‌ها هم فراهم نشود. بنابر این مخازن نگه داری نسخه‌ها باید با تزریق گاز‌های مناسب بصورت دوره‌ای ضد عفونی شود. از لحاظ درجه بین ۱۹ تا ۲۱ درجه سانتی‌گراد و میزان رطوبت بین ۵۰ تا ۶۰ درصد مرتباً کنترل شود. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۱۶)

۲۳. تعداد سطور

معمولاً نسخ خطی روی کاغذ بی‌خط با یک مسطر معین نوشته می‌شد و از ابتدا تا آخر نسخه شماره سطور صفحات کتاب یکسان است و در کتبی که تعداد سطور بین چند عدد محدود ۱۶، ۱۷، ۱۹ سطری و اما اگر چنانچه سطور بطور کلی مختلف باشد از واژه "مختلف السطر" استفاده می‌شود و گاهی کتاب‌های منشور و منظوم در متن و هم در حاشیه نوشته شده است در این صورت باید علاوه بر شمارش ابیات و سطور متن کتاب، تعداد ابیات، مصراع‌ها یا نیم سطرها حاشیه را نیز معین کرد. (بیانی، ۱۳۵۳، ۱۷-۱۸)

۲۴. مشخصات کاغذ

تعیین نوع کاغذ نسخ خطی از دیگر مشخصات نسخه‌شناسی است که در طول تاریخ همواره مورد توجه بوده است و فهرست نگاران معمولاً در بخش نسخه‌شناسی رنگ کاغذ را شناسایی و نقل می‌کنند و از انواع کاغذهایی که در نسخه‌شناسی مورد استفاده قرار گرفته است به شرح زیر است: (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۶۶-۶۹)

الف) کاغذ سمرقندی: برای نخستین بار در نیمه اول سده دوم هجری نوعی کاغذ توسط اسیران چینی در سمرقند بوجود آمد که به کاغذ سمرقندی مشهور شد، کاغذ سمرقندی ضخیم و صاف است به صورتی که دانه‌ای بر روی آن دیده نمی‌شود (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۵۳) و از نظر انتساب به مشاهیر و اشخاص کاغذ سمرقندی به دهقانی مشهور شده که منظور در سمرقند ساخته شده و سازنده آن ابوالحسن ناصر کاغذی معروف به دهقان است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۰) این کاغذ از قرن سوم و چهارم تا قرن نهم و دهم هجری رواج داشته و معمولاً به رنگ نخودی است. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۸)

ب) کاغذ خراسانی: کاغذهایی که در خراسان تولید می‌شد و از انواع آن می‌توان به کاغذ سلیمانی، نوحی، فرعونی، طلحی، جعفری، طاهری نام برد. این ندیم درباره کاغذ خراسانی گفته است که از کتان ساخته شده و



زمان آن هم زمان بنی‌امیه و یا بنی‌عباس بوده است (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۳) و از جهت انتساب به مشاهیر و اشخاص به مامونی مشهور است چون در خراسان و در عصر مامون بوده است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۰)
ج) کاغذ خانبالغ: این نوع کاغذ، مستحکم، ضخیم، به رنگ حنایی و در نسخه نویسی بیشترین کاربرد را داشته است. این کاغذ در خالبالغ (پکن، چین) ساخته شده است و در ایران و دیگر کشورهای اسلامی در نگارش‌های عربی و فارسی استفاده شده است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۲) اما بافت آن چندان یک دست و منسجم نیست. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۹)

د) کاغذ ختایی: این کاغذ ضخیم و درخشان بوده که در نواحی ختا (چین) ساخته شده است.
ه) کاغذ پوستی: در نسخه نویسی برای کتابت مصحف و گاهی هم کتابت موضوعات هنری از پوست حیوانات استفاده می‌کردند، کاغذ پوستی را بیشتر از پوست آهو درست می‌کردند به این طریق که پوست آهو را نازک می‌کردند تا مثل کاغذ بشود و سپس بر آن مهره می‌زدند تا صاف و ملایم شود و حالت شکنندگی نداشته باشد، نسخه‌هایی از قرآن و بیاض‌های هنری که از پوست آهو درست شده است در کتابخانه‌های جهان موجود است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۲-۲۵۳) از ویژگی‌های بارز این نوع کاغذ استحکام و یکپارچگی، یک تکه بودن تمامی ورق و صدای خاصی که هنگام ورق زدن پوست به گوش می‌رسد. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۴۰)

و) کاغذ شامی: این نوع کاغذ در شام ساخته شده است که سفید و شفاف و ملایم است (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۳) این کاغذ براساس محل ساخت آن که طرابلس شام است به کاغذ شامی معروف شده است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۰) که ضخامت این کاغذ کمتر از کاغذ سمرقندی و به ظاهر شبیه آن است. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۹)
ز) کاغذ دفتری: این نوع کاغذ نامرغوب و دانه‌دار است که کاتبان برای کتابت دفتر و حساب و کتابچه‌های سیاق از آن استفاده می‌کردند.

ح) کاغذ کشمیری: در قرن نهم، در کشمیر هندوستان در میان کاتبان این نوع کاغذ رواج یافت. این کاغذ بیشتر به رنگ‌های سفید و نخودی و بسیار نازک و عموماً آهار مهره خورده بود، هزاران نسخه خطی که به خط فارسی در هندوستان نوشته شده است از همین کاغذ بوده است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۳-۲۵۴) براساس محل ساخت آن که در کشمیر هندوستان است به کشمیری معروف شده است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۰)

ط) کاغذ بتی: از قرن یازدهم به بعد در ایران و هندوستان کاغذسازی رونق خود را از دست داد و نوعی کاغذ که توسط اروپاییان به هندوستان رسیده بود و توانست جای کاغذ کشمیری را بگیرد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۲) درون این کاغذ نقوشی وجود داشت گویا پیکر نما، و به همین جهت آن را کاغذ بتی می‌گویند و از ویژگی‌های این کاغذ این است که اگر در معرض نور قرار دهیم نقوش و خطوطی در آن دیده می‌شود. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۴۶)

ی) کاغذ ابری: در عرف کاغذ سازان به آن درهمی گفته می‌شود برای ساختن این کاغذ ظروفی را از مایع نشاسته پر می‌کردند و بر روی مایع مذکور رنگ‌های مورد نظر را می‌ریختند و کاغذ را بر روی آن می‌گذاشتند تا اشکال رنگین موجود در مایع که مانند ابر را داشت بر روی کاغذ منعکس شود، کاغذ ابری دو مدل است اولی ابری آبی و دومی ابری آهاری و در مدل دوم بعد از ساختن کاغذ ابری بر روی آن مهره می‌زدند و براق می‌کردند و این نوع کاغذ از قرن نهم در میان کاتبان رواج یافت و بیشتر در کتابت قطعه‌های خط و رساله‌های کوتاه از آن استفاده می‌شد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۱-۲۵۲) این کاغذ به صورت ایجاد اشکال در تمام ورق و یا در حاشیه کاغذهای کتب مذهب ایرانی مشاهده شده است و بیشتر برای تزئین ورق درون جلد استفاده می‌شد.



(وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۱) این کاغذ از عصر تیموری مورد استفاده قرار گرفت و ساخت عثمانی، ایران و هند بود و بهترین کاغذهای ابری آن زمان یک نوع کاغذ ابری بود که در همدان ساخته می شد. (افشار، ۱۳۵۷، ۹۵)

ک) کاغذ الوان: کاغذی است از انواع کاغذهای ابری که توسط کاغذسازان با الوان و رنگ‌های مختلف رنگین ساخته می‌شد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۲) پیدایش این نوع کاغذ بر اثر عواملی همچون نامفید بودن کاغذ سفید برای چشم کاتب و میل به سوی زیبایی جویی در نسخه نویسی و کتابت بود. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۴۵) بیشتر از رنگ های زرد، سرخ، کبود زنگاری و کاهی بود که در اصطلاح به این کاغذها الوان مفرده هم گفته می‌شد اگر از رنگ های سبز، لگلون و نارنجی هم استفاده می‌شد به آن کاغذها الوان مرکب می‌گفتند.

ل) از انواع دیگر: و از انواع دیگر کاغذ که متعلق به کشور هندوستان است دولت‌آبادی، فونچی که در فونچ یکی از شهرهای آذربایجان ساخته شده است، کاغذ مامونی که منسوب به مامون خلیفه است در خراسان ساخته شده و کاغذ طاهری که منسوب به طاهر دوم از امرای طاهری خراسان است را می‌توان نام برد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۲-۲۵۳)

۲۵. تجلید نسخه

فهرست نگاران عموماً به چهار مسئله: جنس، رنگ، ظرافت های هنری، آسیب دیدگی و نفاست دقت دارند و چنانکه امکان داشته باشد نام جلدساز و تاریخ ساخت را در فهرست می‌آورند، بنابراین ملاک تقسیم‌بندی جلد، ماهیت و جنس آن می‌باشد که به انواع زیر تقسیم می‌شود: (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۰)

الف) جلد چوبی: این جلدها از چوب نازک ساخته می‌شدند و روی آن لاک با رنگ و روغن می‌کشیدند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۲۰) این جلدها بیشتر برای مصاحف شریفه کاربرد داشته و یک نمونه جلد قرآن شریف با شماره ۳۹ در کتابخانه آستان قدس متعلق به قرن ششم وجود دارد.

ب) جلد مقوایی: جلدهایی هستند که از مقوا ساخته می‌شدند و معمولاً جلدسازان از روکش های مختلف مانند چرم، پارچه، رنگ و روغن جهت استقامت جلد بر روی آن قرار می‌دادند و اصطلاحاً به جلد مغزی معروف بودند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۰-۱۱۱)

ج) جلد چرمی: جلدهایی هستند که از پوست دباغی شده حیوانات می‌ساختند. پوست حیوانات اهلی، مانند گوسفند و اسب را تهیه می‌کردند و روی آن چند طبقه کاغذ یا خمیر کاغذ و یا یک ورقه چوب نازک می‌کشیدند و جلد کتاب را درست می‌کردند و به اسامی مختلف مانند تیماج، میش، ساغری، شبرو است. (بیانی، ۱۳۵۳، ۳۷-۳۸)

د) تیماج: تیماج را از پوست دباغی شده بز می‌ساختند زیرا گلهای بز در سرزمین های اسلامی زیاد بود و گاهی اوقات تیماج را با مقوا محکم می‌کردند و برخی فهرست نگاران با تعبیر مختلف از تیماج نام می‌برند مانند تیماج بدون مقوا را تیماج یک لا و تیماج با مقوا را تیماجی می‌نامیدند.

ه) میشن: از این جلد که بندرت ساخته می‌شد از پوست دباغی میش استفاده می‌شد که بسیار نرم و لطیف است و به آن میشن هم می‌گویند، به همین دلیل لبه‌های دور این گونه جلدها را با روکش تیماج محکم می‌ساختند.



و) **ساغری**: این جلدها بسیار بادوام و مستحکم بودند که از چرم دباغی شده کفل چهارپایان خصوصاً الاغ و استر ساخته می‌شدند و دارای برجستگی‌های دانه مانند نسبتاً درشت بودند و بعضی روی آن کارهای هنری مانند ضربی، سوخت کاری می‌کردند و ضمناً به دلیل کراهت جنس جلدها برای مصاحف شریفه استفاده نمی‌شدند.

ز) **شبرو**: معنی این جلد بزغاله است و جلدسازان عصر قاجار برای روکش نوشته‌های خود از آن استفاده می‌کردند که از پوست بزغاله و یا پوست نازک گوساله است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۱-۱۱۳)

ح) **پارچه**: به جلدهایی می‌گویند که دفتین آنها از نوعی پارچه مانند مخمل، چیت، قلمکار و امثال آن ساخته می‌شده است. جلد پارچه‌ای پس از دوره صفوی رواج یافت و تا دوره‌های معاصر هم تداوم داشت، اکنون نیز در جلد‌های فرنگی از پارچه استفاده می‌شود. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۱۰) جلد‌های پارچه‌ای بر حسب نوع پارچه به سه نوع جلد زری، جلد مخملی، جلد ترمه تقسیم شده است که به شرح زیر است:

۱- **جلد زری**: روکش این جلدها توسط زری بافان و نقش‌بندان ماهر دوره صفوی و از پارچه زری بافته می‌شدند.

۲- **جلد مخملی**: جلد‌هایی هستند که از پارچه مخمل برای روکش مقوا استفاده می‌شد و از قرن سیزدهم رایج شدند.

۳- **جلد ترمه**: بعضی از جلدسازان عصر زندیه و قاجاریه برای روکش جلد دیوان‌ها، بیاض‌ها و نسخه‌های ادعیه از ترمه که نوعی نم‌د که از جنس ابریشم، پشم، نخ که در یزد و کشمیر ساخته می‌شدند و منقش به اشکال بوت‌ه جقه یا خطوط پهن حاشیه بود استفاده می‌کردند.

ط) **کاغذ**: بعضی کتاب‌سازان دوره قاجار از روکش مقوا جلد می‌ساختند ولی چون کاغذ استقامت لازم را نداشت آن را با پارچه محکم می‌کردند و کاغذها مورد استفاده در چند مدل است:

۱- کاغذ ساده یا رنگی یا ابری که اینگونه کاغذها به شکل ابرهای درهم رنگ‌آمیزی می‌شدند.

۲- شومیز که نوعی کاغذ ضخیم‌تر از ورق کاغذ و نازک‌تر از مقوا بود. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۳-۱۱۴)

ی) **فرنگی**: همگام با اختراع صنعت چاپ، جلدسازان برای روکش مقوای بعضی از جلد‌های نسخه‌های خطی از گالینگور و مشمع استفاده می‌کردند و اگرچه بعضی برای ساخت عطف و گوشه‌ها آن را به کار می‌بردند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۴۵)

ک) **هنری**: جلد‌های هنری نتیجه نبوغ، ابداع و نوآوری جلدسازان کشورهای اسلامی است و این جلدها دارای ظرافت‌های هنری ویژه‌ای می‌باشد و انواع مختلف آن برحسب ظهور و رواج در تمدن اسلامی به شرح زیر است:

۱- **ضربی**: جلد ضربی یا کوبیده یا منگنه، جلد‌هایی است که اثر نقوش ترنج، سر ترنج، جدول‌های متنوع و لچکی به وسیله قالب‌های فلزی در روی بدنه‌ی جلد مشاهده می‌شود و معمولاً جلدسازان قالب‌های آماده را بر روی چرم‌های میشن، ساغری و تیماج سرد یا گرم می‌ساختند.

۲- **سوخت**: در قرن نهم هجری این نوع جلد که به اصطلاح سوخت یا سوخته می‌گویند به وجود آمد. برای روکش اوراق کتاب از جلد‌های زیبا و باارزش سوخت استفاده می‌کردند و برای ساخت جلد سوخت نخست روی چرم که حالت استخوانی گرفته و به رنگ تیره و سوخته درآمده نقش‌های دلخواه مانند مینیاتور، تذهیب، تشعیر را به اشکال ترنج، سرترنج، لچکی و غیره طراحی نموده و به وسیله "نقش بر" جدا می‌ساختند و سپس بر روی چرم جلدی چسبانده و با ضربه داغ شده بر روی آن می‌کوبیدند (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۵-۱۱۶) و البته این جلد نفیس‌ترین نوع جلد اسلامی است. مخصوصاً آن جلدها که از دوره هنر هرات بجا مانده است در فهرست عرض



گنجینه صفی که مکرر از جلد‌ها منبت و مشبک یاد شده است و منظور همین نوع معرق است. (افشار، ۱۳۵۷، ۳۶-۳۷)

۳- معرق: در لغت هر چیز رگه‌دار را معرق می‌گویند و در اصطلاح کتاب‌سازان به جلدی گفته می‌شود که از قرار گرفتن رگ‌های چند نوع چرم در کنار هم به دست می‌آید و به این طریق ساخته می‌شود که ابتدا نقوش دلخواه در چرم طراحی می‌کنند سپس با آلت "نقش بر" چرم را از نقش‌های طراحی شده جدا می‌کنند سپس نقش‌های مزبور را در محل‌های مناسب جلد کتاب کنار هم می‌چسبانند تا چرم‌ها چسبیده شده به صورت رگ‌ها و عروق بشوند، معمولاً جلدسازان به دلیل آسیب‌پذیری بیرون جلد در قسمت داخل اقدام به عمل معرق‌سازی می‌کردند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۱۷) برون جلد را به طرز روغنی یا ضربی فراهم می‌آوردند. این نوع جلد از شاهکارهای جلدسازان ایران است و نمونه‌های نفیس آن در سده نهم هجری در هرات فراهم شده است.

ل) جلدسوزنی بوم چرمی: در اصطلاح کتاب‌سازان جلدی را می‌گویند که بر روی بدنه چرم با ابریشم رنگین طبق طرح‌های از پیش ترسیم و انداخته شده، سوزن‌دوزی می‌کنند به طوری که اثر سوزن و بخیه‌ها از سطح درون جلد بیرون نزنند و برای ساخت آن ابتدا جلدساز چرم را رنگ می‌کند و مهر می‌زند سپس بر روی کاغذ طرح مورد نظر را می‌کشد و با چهار بار برگرداندن و برداشتن طرح به صورت کامل نقش می‌گیرد، سپس بر روی خطوط و طرح مزبور سوزن می‌زند و کاغذ را روی پشت چرم که در اصل روی جلد می‌باشد می‌چسباند و گل‌گیوه بر روی آن می‌مالند تا طرح بر چرم منتقل شود بعد از این عمل همه خطوط را سوزن‌دوزی می‌کنند که سر سوزن از پشت چرم بیرون نیاید و بخیه‌ها هماهنگ باشد. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۱۳-۶۱۵)

م) جلد روغنی: در قرن نهم و دهم که اوج صنعت تزیین نسخ خطی بود جلد روغنی رایج شد و دوره کمال این جلد قرن ۱۲ و ۱۳ هجری است و بیشتر روی مقوا و گاهی روی پارچه نخی درست می‌شود و مراکز جلد‌های روغنی در ایران در شهرهای تبریز، اصفهان، خراسان، شیراز، تهران و در خارج از ایران در هرات، کشمیر، ترکیه، بغداد و ترکستان بود. (بیانی، ۱۳۵۳، ۳۹-۴۱) طرز ساخت آن به این صورت است که بعد از درست کردن پشت و داخل جلد نقش‌های دلخواه مانند تذهیب، گل و بوته، مینیاتور، ترنج، سرترنج را بر سطح مقوا، پارچه نخی، تخته چوب و قطعه چرم ترسیم و رنگ‌آمیزی می‌کردند سپس با پوشش‌ها و حفاظت‌های مناسب مانند روغن کمان آن را در حفاظت بیشتر قرار می‌دادند و در عصر تیموریان بیشتر از نقوش گل و بوته و تصاویر طیور و وحوش استفاده می‌شد و در عصر صفویه و قاجار از نقوش صورت و پیکر انسان و مجالس رزم و بزم نیز بهره می‌بردند، اگر داخل و بیرون جلد روغنی بود آن را جلد روغنی دورو می‌گفتند و اگر در بوم جلد روغنی مرغش استفاده می‌کردند به آن جلد روغنی مرغش می‌گفتند. (غلامی مقدم، ۱۳۷۷، ۴۳-۴۴) و این نوع جلد بیشتر نماینده هنر نقاشی است نه جلد‌سازی، روی جلد بیشتر گل و بوته و مرغ است و درون جلد گل زنبق یا نرگس یا طرح‌های برگ انگوری بود. (افشار، ۱۳۵۷، ۳۷)

ن) جلد بلغار: به جلدی گفته می‌شود که روکش آن از چرم بلغار بوده است. این چرم بیشتر بدون مقوا و آستر برای جلد‌سازی بکار می‌رفته و بعضاً نقش‌هایی با سیم و نخ و ابریشم ملون بر روی آن می‌دوخته‌اند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۱۰)

س) جلد شورو: جلدی را گویند که روکش مقوای آن از چرم شورو فراهم شده باشد. واژه شورو به معنی پوست و چرم بزغاله است که صحافان دوره قاجار در تجلید استفاده می‌کردند.



ع) جلد لولادار: جلدی است که لبه برگردان دارد. لبه برگشت جلد بر روی آن طوری است که معمولاً طرحی را که روی اصل جلد کشیده شده، روی لبه نیز است تا وقتی که کتاب بسته می شود، طرح جلد به نظر کامل آید. (غلامی مقدم، ۱۳۷۷، ۳۹-۴۱)

۲۶. نقوش و تزیینات روکش جلد

الف) گره: دو یا سه یا چهار جدول مدور یا مسطح که با مهارت کامل به یکدیگر گره خورده و تصاویری متنوع و دلنشین پدید می آورد که زیر و روی هر یک از جداول نامبرده با جداول دیگر رعایت می شود. مذهبان نقاشان از گره و تلفیق و ترکیب آن اشکالی بدیع و اعجاب انگیز ساخته اند، که این نقوش از قرن ۲-۳ تا قرن ۵-۶ کاملاً مورد توجه بود.

ب) اسلیمی یا اسلامی: کاملاً مانند اجزای یک گیاه شکل می گیرد به بیانی دیگر دانه ای که از میان نقشی شبیه ترمه یا از وسط دو برگ خشکیده روییده شده، ساقه و بندهای متصل با قدرت از آن نمو می نماید و پیچک های کوچک ساقه های آن را به هم متصل می کند. نقوش اسلیمی در قرون متمادی روی بیشتر آثار اسلامی از قبیل جلد های ضربی، سوخت، معرق، ترنج، سر ترنج، کتیبه، لچکی، زمینه خطوط، تذهیب سرلوح، سر سوره های قرآن مجید، بناهای مذهبی و اماکن مقدسه نقش اساسی را ایفا می نماید. (نصیری امینی، ۱۳۵۷، ۸-۱۴) این نقش نام خود را از دوره های سلجوقی و تیموری گرفته و چون در دوره های اسلامی برای تزیین اطراف قرآن ها استفاده می شد به آن نقش اسلیمی (اسلامی) گفته اند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۵)

ج) بترمه یا اسلیمی ماری: مانند ابری است که دوسر آن به طرفین انبساط یافته و وسط آن به وسیله گره کوچکی تزیین گردیده است. نقش بترمه در ایران از دوران تیموریان به بعد در حواشی قطعات خطوط، نقاشی و جلد به کار رفته است. نقش بترمه مانند اسلیمی در روی جلد های ضربی، سوخت، معرق، ترنج و حواشی قطعات خطوط و نقاشی جلوه مؤثر داشته و با پیچ و خم مخصوص خود بر تزیین اشیا نامبرده افزوده است. (نصیری امینی، ۱۳۵۷، ۱۴-۱۵)

د) خطایی: از جمله نقوش اساسی هنرهای تزیینی ایرانی است که از ترکیب گل، غنچه و برگ های خارج از شکل طبیعی پدید می آید و هر گردش موزون آن رایک "بند" می خوانند، زمانی که بندها آماده شدند با گل برگ هایی که در طبیعت قرینه دارند (برگ عباسی، پیچک و...) آنها را تکمیل می کنند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۵) نقوش خطایی در روی جلد های ضربی، سوخت، معرق، ترنج و حواشی قطعات نقاشی و فواصل خطوط قدیم دیده می شود.

ه) تشعیر: از نقوش خطایی، تصاویر حیوانات و پرندگان صورت می گیرد که نقاش و مذهب با قلم گیری زر در روی یا حواشی اوراق نسخ مهارت خود را نشان می دهد. دست نقاش و مذهب در نقش تشعیر باید قدرت کاملی داشته باشد تا با قلم گیری بدون رنگ آمیزی نقوش و تصاویر را چنان مجسم کنند که گویی حیوانات و پرندگان در حالت دویدن و پروازند. نقوش تشعیر در آغاز عصر صفویان در بعضی جلد ها و حواشی قطعات و دیوان های شعرا دیده شده است.

و) بادامک: شکلی است که از دو چنگ اسلیمی پدیدار می شود که یک چنگ به طرف بالا و دیگری به طرف پایین که در وسط چنگ تصویری شبیه بادام شکل می گیرد. در عصر صفویان نقاشان و مذهبان این نقوش را در حواشی جلد هایی که با نقوش اسلیمی تزیین گردیده و در حواشی قطعات خطوط و نقاشی بکار می برده اند.



ز) خط: مذهبیان در سرلوح‌های نسخ از خط کوفی تزیینی تا دوران صفویان بهره یافته، مجلدان و صحافان نیز در جلد‌های نسخ به فراخور متن آن از اقلام رقاع، ثلث، نسخ و نستعلیق برای زینت دادن جلد‌های مصاحف و ادعیه و اذکار و دیوان شعرا استفاده می‌کردند. در قرن ششم در روکش جلد‌ها و در قرن هفتم داخل جلد‌ها و از قرن نهم به بعد در بیرون و اندرون جلد‌های ضربی و معرق و روغنی مذهبیان و صحافان و جلدسازان از آن استفاده شایانی می‌نمودند. (نصیری امینی، ۱۳۵۷، ۱۳-۱۶)

ح) قلق: غلافی است چرمی یا پارچه‌ای یا فلزی یا مقوایی که برای نگهداری جلد به کار می‌رود. این لفظ به نام‌های لفافه، قولق و محفظه نیز خوانده شده است.

ط) سرتپل: لبه‌ای را گویند که به صورت سرپاکت در سمت چپ یا راست بدنه پشت جلد متصل می‌شد. (غلامی مقدم، ۱۳۷۷، ۴۷)

۲۷. نوع خط متن

از مهم‌ترین نکات قدیمی نسخه‌شناسی که مورد توجه کتاب‌شناسان قرار داشته نوع خط دست‌نوشته‌ها است. خط مؤلف دارای اهمیت زیادی است در واقع سرلوحه مباحث نسخه‌شناسی کتب خطی است. انواع خطوط اصلی و موجود در آثار و کتب خطی رایج در ممالک اسلامی بر اساس تاریخ مدون خط و خطاطی در تمدن اسلامی به شرح زیر است: (فدائی، ۱۳۸۶، ۶۱)

الف) کوفی: نخستین خطی که در تمدن اسلامی در میان نسخه‌نویسان رایج شد خط کوفی است و تا حدود سه قرن خط کوفی برای کتابت قرآن و کتیبه‌های عربی به کار می‌رفت. با توجه به شکل خط، کوفی را به انواع مشجر، مربع، مدور و متداخل تقسیم کرده‌اند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۲۹-۳۰)

ب) کوفی کهن: خط کوفی که در آغاز بدون اعجام و اعراب بود کوفی کهن نامیده می‌شد.

ج) کوفی متحول: به مرور زمان برای نگارش آیات قرآن از مرکب سیاه استفاده می‌شد و حرکات و نقاط حروف را با رنگ‌های مختلف گیاهی و غیر آن همچون سنگرف، زعفران، سیلو و زنگار می‌نوشتند و به این طریق کوفی متحول نام گرفت.

د) کوفی شرقی: کوفی شرقی باریکتر از خط کوفی نوشته می‌شد و در باریکی به خط ریحان نزدیکتر است و بیشتر در نگارش نسخه‌ها استفاده می‌شد.

ه) کوفی ترکستان: این خط شبیه به خط نسخ است که خصوصیت آشکار این خط این است که حروف عمودی به میخ شبیه است گویا از خط میخی الهام گرفته است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۴۸-۴۹)

و) خط نسخ: شایع‌ترین خط در نسخه‌نویسی خط نسخ است که به تدریج در قرن چهارم مورد توجه بیشتر قرار گرفت و به جهت سهولت در نوشتن نزد اهل کتاب معروف شد، به همین جهت ناسخ سایر خطوط شد و به خط نسخ شهرت یافت. (فدائی، ۱۳۸۶، ۶۲) به اعتقاد برخی از مورخان، منشعب از خط کوفی است و استخراج آن را به ابوعلی حسین بن مقله بیضاوی شیرازی نسبت داده‌اند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۰) اکنون در کشورهای عربی و اسلامی برای نگارش کتاب، مجلد و روزنامه این خط کاربرد زیادی دارد. استادان این خط، ابن مقله، یاقوت مستعصمی، احمد صدیق روحی، فخار شیرازی، علاءالدین تبریزی، ابراهیم قمی و احمد تبریزی است و به دو شیوه زیر است: (فدائی، ۱۳۸۶، ۶۲)



۱- شیوه کهن خط نسخ: این خط تا اوایل نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری بود، در این دوره خط نسخ از زیبایی چندانی برخوردار نبود. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۴۹) در این دوره در مواردی کلمات وحروف به صورت مشکول (اعراب گذاری) نوشته شده اند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۱)

۲- شیوه نسخ جدید: خط نسخ جدید که از نیمه دوم قرن هشتم آغاز شد و در این دوره، دور حروف بیشتر و قلم نسخ منسجم تر و زیباتر شده است و کاتب جنبه زیباشناسی را بیشتر مدنظر داشته است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۴۹)

ز) خط نستعلیق: این خط از ترکیب خط تعلیق با خط نسخ به وجود آمده است و از اوایل قرن نهم هجری در میان نسخه نویسان عثمانی و شبه قاره هند رواج یافت. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۱) در نیمه نخست قرن هشتم رغبت نسخه نویسان به خط نسخ کاهش یافت و کتابت آثار فارسی با خط نستعلیق رایج شد و بیشتر کتاب ها مانند قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه با این خط نوشته شد.

ح) خط تعلیق: از همه خطوط دور بیشتری دارد، حروف این خط در سرتاسر سطر پیوسته به هم نوشته می شود. خط تعلیق در قرن چهارم توسط حسن بن حسین بن علی فارسی ابداع شد. این خط و دو خط نستعلیق و شکسته نستعلیق را خطوط ایرانی می نامند و چون در خطاطی اصل مهم سهولت و زیاد بودن سرعت نگارش است آهسته آهسته خط شکسته تعلیق هم به وجود آمد و پس از آن عثمانیان و مصریان در آن تصرفاتی کردند و خط دیوانی را به وجود آوردند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۶۲-۶۳)

ط) خط سیاق: در دوره های متأخر برای محاسبات دیوانی، اسناد و دفاتر دخل و خرج شیوه دیگری مورد استفاده قرار گرفت که به خط سیاق معروف شد. کاتبان خط سیاق را برای اعداد، کلمات و علائم اختصاری نوشتند که خواندن آنها مشکل بود. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۵۴-۵۵)

ی) خطوط دیگر: علاوه بر خطوطی که ذکر شد خطهایی دیگر که برخی جنبه سرگرمی داشت از قرن چهارم هجری شروع شد که بیشتر در کتابت اسناد، نامه ها، مراعات و کتب ادعیه بکار می رفت مانند رقه، غبار، طغراء، سیاه مشق، معما، مثنی و تا حدود قرن هفتم هجری رواج بیشتری در ایران داشت ولی هیچ کدام از این خطها برای کتابت تحریر و تندنویسی مناسب نبودند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۲-۴۱)

۲۷. کیفیت خط

خط شناسان برای نشان دادن کیفیت خط درجاتی را قائل شده اند که خوبی و بدل خطوط را با واژگانی ممتاز، عالی، خوش، خوانا و ناخوانا ذکر کرده اند که به شرح زیر است: (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۵۹)

الف) ممتاز: صفت خطی است که در نهایت زیبایی می باشد و مطابق با قواعد و اصول خوشنویسان تحریر شده باشد.

ب) خوش: خطی را با صفت خوش تعریف می کنند که زیبا باشد، هرچند خط در بافت گاهی از قواعد و اصول خوشنویسی دور شده باشد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۴۱-۲۴۲)

ج) خوانا: صفت خطی است که به آسانی بتوان آن را خواند هرچند که زیبا نباشد.

د) ناخوانا: خطی را با این صفت تعریف می کنند که به سهولت خوانده نشود، که این ناخوانا بودن ممکن است به دلایلی از جمله عدم نقطه گذاری، شکسته نوشتن بیش از حد حروف و یا حتی بدخطی کاتب باشد. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۵۹-۳۶۰)



۲۸. اندازه اوراق

اندازه طول در اندازه عرض اوراق نسخه است. اندازه قطع کتاب در تاریخ کتاب‌سازی سنتی دارای تغییر و تحول بوده و هم در تمدن اسلامی بسیار متنوع بوده است و مهم‌ترین اندازه‌های قطع کتاب عبارتند از :

الف) قطع سلطانی: اندازه‌ای از قطع کتب است که در اواخر عصر مغولان و اوایل عهد تیموریان برای کتاب‌های خطی در ایران رواج پیدا کرد به همین جهت به آن قطع تیموری نیز گفته می‌شود و ابعاد آن هم ۴۰*۳۰ است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۰) چون نسخه‌هایی در این قطع را برای کتابخانه‌های رسمی یا برای شاهان و صدور می‌ساخته اند به قطع سلطانی معروف شده است.

ب) قطع رحلی: این قطع که به طول بیشتر از ۳۵ و به عرض بیشتر از ۲۵ سانتی متر است به این جهت رحلی می‌گویند که هنگام خواندن کتاب قطع رحلی، آن را بر پایه چهارچوبی چوبی - یعنی رحل - قرار می‌دادند و معمولاً نسخه‌ها چون قرآن مجید، مثنوی مولوی و شاهنامه که در مجالس و محافل قرائت می‌شده است با این قطع بوده است. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۱۳) این قطع در سه مدل است: ۱- قطع رحلی بزرگ: که به ابعاد ۶۰*۳۰ سانتی متر است. ۲- قطع رحلی متوسط: این قطع به ابعاد ۵۰*۳۰ سانتی متر است. ۳- قطع رحلی کوچک: این قطع به ابعاد ۴۲*۲۷ سانتی متر است.

ج) قطع رقیعی: اندازه قطعی است به طول و عرض تقریبی ۱۹*۱۰ سانتی متر. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۰)

د) قطع وزیری: این قطع در گذشته دارای سه اندازه کوچک به طول و عرض تقریبی ۲۱*۱۵ و متوسط آن ۲۴*۱۶ و بزرگ آن ۳۰*۲۰ سانتی‌متر بوده است.

ه) قطع بیاضی: به شکلی از کتاب گفته می‌شود که از سوی طول باز شود و از سوی عرض شیرازه بندی و ته بندی شده باشد. جنگ‌های ادبی، مجموعه ادعیه و بسیاری از نسخ قرآنی سده‌های دوم تا پنجم هجری را به این شکل صحافی می‌کردند. در روزگاران متاخر، دفترها و سررسیدهای بازرگانان را هم به این شکل صحافی کرده اند که به اصطلاح به آن دستک می‌گفتند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۱۳)

و) قطع خشتی: از قدیمی‌ترین قطع‌های نسخه‌های خطی که طول و عرض آن برابر است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۰)

این شیوه صحافی و این هیأت در قطع کتاب، در تمدن اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۱۲)

ز) قطع بغلی: این قطع که از اندازه قطع جیبی بزرگ تر است، دارای عرض و طول تقریباً ۷۰*۵۰ سانتی‌متر است.

ح) قطع جانمازی: این قطع به اندازه تقریبی طول ۱۲ و عرض ۷ سانتی‌متر بوده است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۰) عموماً برخی از نسخ قرآنی و ادعیه را به این قطع فراهم می‌کردند و در جای نماز می‌گذاشتند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۱۲)

ط) قطع حمایلی: این قطع به طول و عرض ۱۲*۶ بوده است و به این جهت به آن قطع حمایلی می‌گویند که نسخه‌هایی که در این قطع بوده است به صورت حمایل روی لباس زیرین می‌آویخته‌اند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۵۰)

ی) قطع بازوبندی: قطعی از کتاب است به اندازه ۲*۳ سانتی متر. کتاب‌ها یا جزواتی را که پیشینیان در این قطع تجلید می‌کرده اند به شکل‌های مدور، بیضی، لوزی و چند ضلعی درمی‌آورده اند و توسط نخ‌های پارچه یا



چرم به بازو می بسته اند. بیشتر پاره های (جزءها) قرآنی یا کتب ادعیه در این قطع بوده اند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۷۱۱)

۲۹. تزیینات نسخه

کتاب آریان در طول تاریخ تمدن اسلامی برای افزایش تاثیر نگارش ها و جذب بیشتر خوانندگان با تذهیب‌های طلایی، رنگین و تصویرهای چشم‌نواز به آرایش و زیباسازی هنری نسخه‌های خطی اقدام می کردند، برخی از اصطلاحات تزیینات نسخه خطی شامل زیر است: (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۴)

الف) شمسه: شکلی است مدور، مذهب، مرصع و مشابه تصویر خورشید که شعاع هایی از اطراف آن خارج شده است. (عظیمی، ۱۳۸۹) معمولاً کتاب آریان در وسط آن نام مالک کتاب یا نام مولف آن را بیشتر به خط رقاع و به قلم رنگین یا زر یا سفیداب ذکر می کردند و بیشترین نسخه‌ها مذهب دارای شمسه متعلق به عصر تیموری است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۵)

ب) سرلوح: بسیاری از نسخه‌های خطی، صفحه آنها مزین به نقوش دقیق هندسی یا گل و برگها هنری زیباست که با زر و الوان متعدد رسم شده است. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۷) و در ضمن اگر نقش های سرلوح یکی باشد آن را ساده و اگر دو تا باشد سرلوح مزدوج می گویند و سرلوح‌ها از قرن دوم تا چهارم بسیار ساده ترسیم می شدند و از قرن ششم رنگ سرلوح متنوع شد. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۵) از قرن سیزدهم به بعد کتابداران و مجموعه داران غالباً از اصطلاح سرلوح برای وصف تزیینات مذهب آغازین کتاب ها استفاده می کردند و همچنین برای سرلوح های تذهیب شده لازم بود که هنرمند در بکار بردن طلا که در بیشتر موارد به صورت مایع آمیخته با سفیده تخم مرغ بکار می رفت استاد باشد. (ریشار، ۱۳۸۵، ۱۰۹-۱۱۰)

ج) سرفصل: نام دیگر آن سرسخن است تزییناتی است که در اطراف عنوان کتاب های نظم و نثر به صورت مشعر، مذهب و مرصع ترسیم می شود. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۵) در ضمن اگر ذکر سرفصل ها مخصوصاً اگر متعدد و ساده باشد لازم نیست ولی اگر تزیینات بزرگ و مفصل باشد بهتر است شمارش شود. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۷)

د) کتیبه: در نسخه‌آرایی به شکل مستطیل ساده، یا مذهب و مرصع گفته می شود که کتاب آریان در سر سوره‌ها برای نسخه‌های قرآنی و سرفصل های دیوان‌های شعر و دیگر نگارش‌ها استفاده می کردند. جلد سازان هم در چهار طرف جلد نزدیک به لبه‌ها آن را بکار می بردند و گاهی اوقات دو طرف آن به شکل نیم دایره است که به آن کتیبه قلمدانی می گویند. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۱) البته در بعضی موارد داخل آن با زر یا سفیداب جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) یا عنوان کتاب نوشته می شود.

ه) طلا اندازی بین سطور: گاهی نسخه آریان برای زیبایی وسط سطور دو صفحه اول یا تمام صفحات کتاب را با زر پر می کردند به طوری که تمامی قسمت های خالی بین سطور زرین می شد و کنار زمینه مذکور را با تحریر مشکی محصور می کردند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۴-۳۶) اگر خط تحریر دارای فرورفتگی و برجستگی های نزدیک به خوردگی دندان موش بود به آن طلا اندازی دندان موش می گفتند که در عصر صفوی رایج شد و اگر روی همان زمینه طلا نقوش الوان به کار می رفت به آن طلا اندازی منقش می گفتند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۶-۷۷)



و) **زرافشان:** نسخه آریان از عصر تیموریان به جهت زیبایی متن و گاهی حواشی، اوراق نسخه را با زر و نقره افشان می‌کردند به طوری که زر یا نقره را حل می‌کردند و سپس با دقت ریزه‌های طلا ی محلول را از طریق آلاتی که دارای سوراخهای بسیار کوچکی بودند به روی صفحات می‌افشانند و اینکار قبل از نوشتن نسخه انجام می‌گرفت و گاهی خرده‌های طلا بسیار ریز بودند که به آن افشان غبار می‌گویند و اگر خرده‌های طلا درشت‌تر بودند به آن افشانه سر موری می‌گویند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۴-۲۵)

ز) **جدول:** جدول عبارت است از خط یا خطوطی مستقیم و هندسی که متن نوشته یک صفحه کتاب را از چهار طرف محصور می‌کرد، جدول از دوره سلجوقی ابداع شد و ابتدا بسیار ساده و با یک خط مرکب مشکی کشیده می‌شد اما از قرن هشتم جنبه تزئینی پیدا کرد و از آب طلا و رنگ های متنوع مانند لاجورد، شنگرف، سیلو و زنگار استفاده می‌شد. جدول ممکن است بیشتر از یکی باشد یعنی دو یا سه جدول در یک صفحه رسم شده باشد و گاهی هم دو طرف خطوط جدول را با خطی بسیار باریک محصور می‌کردند که به آن جدول مشکی می‌گویند.

ح) **کمند:** به خطوط مستقیم می‌گویند که جز جانب عطف کتاب از سه جانب دیگر جدول را محصور می‌کند، در ابتدا از مرکب مشکی استفاده می‌شد، اما بعدها از خطوط زرین یا الوان با تحریر مشکی در طرفین نیز استفاده می‌کردند و بیشتر نسخه‌ها دوره سوم و چهارم نسخه‌نویسی دارای کمند هستند. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۷) جدول نوشته ها متن یک صفحه را احاطه کرده و کمند، نوشته ها، جداول و حواشی دو صفحه مقابل یکدیگر را احاطه می‌کند. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۵)

ط) **تحریر:** برای نمایش بهتر جدول، کمند، نقوش و بعضی کلمات که با زر و الوان مغایر با رنگ متن نسخه ترسیم شده‌اند و از دو طرف از خط باریک و نازکی با مرکب مشکی استفاده می‌شود که اصطلاحاً تحریر می‌گفتند و نقوش و کلمات محصور شده را محرر می‌نامند.

ی) **ترنج:** نقشی است مذهب و گاهی مرصع که در پشت صفحه اول بعضی از نسخه‌ها کشیده می‌شد و معمولاً داخل و اطراف آن، عنوان و خلاصه مطالب کتاب به زر و یا سفیداب نوشته می‌شود. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۷) که البته بعضی داخل آن را با نقوش اسلیمی یا تصویر حیوان یا خطوط رقاع، نسخ و نستعلیق می‌آرایند. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۱)

ک) **سر ترنج:** دو ترنج کوچک است که بالا و پایین ترنج متصل به آن بطور افقی کشیده می‌شود و گاهی وسط سرترنج را با نقوش می‌آراستند، اگر روی جلد بود نام صحاف را در وسط آن درج می‌کردند و اگر در صفحه اول نسخه بود نام کتاب را داخل آن می‌نوشتند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۹)

ل) **لچکی:** که به آن گوشه یا کُنج هم می‌گویند یک ربع یک ترنج کامل است، گاهی در چهار گوشه صفحه‌ای که در میان آن ترنج و سرترنج و نیم ترنج نقش شده است، کشیده می‌شود. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۳۴) گاهی در حاشیه کتاب های منظوم و منثوری که در حاشیه نیز نوشته شده است در هر صفحه یک یا سه لچکی مزین دارد، البته باید گفت که نقوش مذکور در غالب تزئینات کتاب از تذهیب، ترصیع و تجلید بکار می‌رفت، این نقشه در قالی‌ها، قالیچه‌ها، بافتنی‌ها، لوحه‌های کاشی‌کاری، حجاری، گچ بری و منبت‌کاری نیز استفاده می‌شدند. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۹-۳۰)

م) **تذهیب:** نقوش منظم هندسی است که با خطوط مشکی و آب طلا در زمینه لاجورد تزئین شده و به ندرت از رنگ دیگر استفاده می‌شده است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۸)



ن) **ترصیع:** اگر در نقوش تذهیب، جز آب زر محلول شنگرف، لاجورد، سفیدآب، زنگار، زعفران، سیلو و رنگ دیگر استفاده شده باشد آن را مرصع می‌گویند ولی امروزه به هر دو تذهیب گفته می‌شود. (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۴)

س) **تشعیر:** نقوش در هم و نازکی است از گل و برگ و تصویر حیوانات (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۱) که شامل خطوط اسلیمی، خنایی، گرفت و گیر و شکارگاه با آب طلا و گاهی با رنگ‌های دیگر اما با قلم‌گیری زرین که با اندکی دقت، ترتیب منظم آن قابل تشخیص است. وجه تسمیه تشعیر از دو جهت قابل تشخیص است یکی به جهت استفاده از موی گربه در قلم و دومی خطوط ترسیمی به نازکی مو است.

ع) **اسلیمی:** نقوشی هستند که به صورت ماریج یا حلزونی با نقو ماهیچه و چنگ که به شکل بوته جقه کشیده می‌شود، مانند گیاه پیچان است که ساقه، جوانه، برگ و گل و شاخه‌های آن به هم درآمیخته است. انواع اسلیمی عبارت است از ساده، توخالی، گلدار، برگی، پیچدار، برگی پیچدار، ماری (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۷۸)

ف) **مرکب الوان:** در نسخه نویسی و نسخه‌آرایی بجای مرکب مشکی از مرکب الوان یا زر بکار می‌رفته است که مرکب‌های الوانی که بیشتر رایج بوده به شرح زیر است: (بیانی، ۱۳۵۳، ۲۵)

۱- **زر:** منظور محلول با آب طلا است که نسخه‌نویسان برخی از عبارات و عنوان‌ها و کلمات نسخه‌های شاهانه را با آن می‌نوشتند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۴۵)

۲- **شنگرف:** معربش شنجرف است و جسمی معدنی است که از گرد آن محلولش را می‌ساختند که به رنگ سرخ است و کاتبان عنوان‌ها، سرفصل‌ها، آیات و اخبار را با آن می‌نوشتند و مذهبان و نقاشان در کشیدن جدول و کمند و دیگر آرایش‌های نسخ از آن استفاده می‌کردند. (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۶۸۷)

۳- **زنگار:** نسخه‌نویسی به محلولی گفته می‌شود سبز رنگ که از رنگ مس بدست می‌آید و نسخه‌آراییان با آن می‌نوشتند. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۲)

۴- **سرنج:** محلولی بوده است قرمز رنگ متمایل به نارنجی که از اکسید سرب به دست می‌آید و در کتابت سرفصل‌ها، عنوان‌ها و آرایش نسخه‌ها به کار می‌رفته است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۴۵-۲۴۶)

۵- **لاجورد:** به محلولی گفته می‌شود که از مخلوط گرد لاجورد و سرکه و صمغ بدست می‌آید و در نقاشی و گاهی در کتابت عنوان‌ها و آبه‌های قرآنی به کار می‌رود. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۲)

۶- **لوای الوان مذکور:** در نسخه‌آرایی نگارش‌های فارسی از رنگ‌های دیگر مانند آل، فریسه، طاووس، گلگون نیز استفاده می‌شده است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۳۴-۲۳۵)

۳۰. نشانه‌های خاص نسخه

اصولاً مهرها و امضاها از ملاک‌های ارزیابی اسناد تاریخی و نسخه‌های خطی هستند و با شناسایی مهر، اصالت، صحت و سقم آنها مشخص می‌شود. مهرها به دو دلیل اهمیت و ارزش فراوانی دارند اول اینکه در شناسایی و تعیین اعتبار یک نسخه نقش مهمی دارند. مهرهای شخصیت‌های مشهور که بر روی صفحه‌های حفاظ یک نسخه خطی حک شده اند نشانه‌ای در جهت نشان دادن کیفیت نسخه و تایید جنس و ماهیت آن است، دوم اینکه در تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی به مصحح کمک می‌کند. نسخه‌شناسان با مطالعه شکل مهر، محل مهر به آسانی قادر خواهند بود از لحاظ تاریخی نسخه را شناسایی و درجه و اعتبار و اصالت نسخه خطی را معلوم کنند.



مهر گاهی در آغاز کتاب، زمانی در پایان کتاب و گاهی بر پشت کتاب زده می‌شد و همچنین ممکن است در یک نسخه خطی بیش از یک مهر دیده شود. مانند نگارنده کتاب، مهر کاتب، مهر نسخه‌نویس، مهر کتابخانه و یادداشت‌های نسخ خطی عربی بیشتر مهر اختصاصی دارند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۸۸-۹۰) از اهمیت دیگر مهرها این است که بعضی از آنها باعث کشف مسائلی مانند سفرهای نسخه‌ها، دست به دست شدن نسخه‌ها، بعضی از وقایع تاریخی و جغرافیایی، خلیقات مالکان کتاب‌ها و بسیاری از نکات ریز اجتماعی می‌شود. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۹)

۳۱. تاریخ اهدا نسخه

در کتابخانه‌های امروزی از اهدای کتاب به منظور صرفه جویی در بودجه استقبال می‌شود و بیشتر کتابخانه‌ها دارای مجموعه‌ای هستند که به نام اهدا کننده نامیده می‌شود، مجموعه‌هایی اهدایی در شکل‌های گوناگون همچون کتاب، جزوه، سند، نسخه خطی می‌باشد و اگر نسخه خطی هم اهدا شده باشد تاریخ اهدا به همراه ذکر نام شخص اهدا کننده در قسمت مربوطه نوشته می‌شود. تاریخ اهدا به همراه ذکر نام شخص اهدا کننده در قسمت مربوطه نوشته می‌شود و همچنین اگر نسخه وقفی تاریخ داشته باشد مشخص می‌شود که نسخه از کجا تهیه شده است و برای چه وقف شده است.

۳۲. تعداد اوراق

شمارش تعداد و اندازه اوراق سطور نسخه خطی از اندازه قطع کتاب مهم‌تر است. و به علاوه تعداد سطور و اوراق برای محققان لازم است زیرا میزان تقریبی کلمات هر سطر نسخه را مشخص می‌کنند. (فدائی، ۱۳۸۶، ۱۱۰-۱۶۷)

۳۳. استناد کتاب شناختی

عناوین وابسته به عبارتی نوعی پژوهاک تالیف یک اثر در فضای علمی فرهنگی جامعه به حساب می‌آید که از روی شدت و دامنه آن می‌توان به حساسیت فرهیختگان جامعه نسبت به آن پی برد و در واقع در عرصه کتابشناسی همیشه با عرضه اثر مستقل به وجود نمی‌آید. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۶، ۵۱)

بخش قابل توجهی از نگارش‌های خطی را آثار وابسته تشکیل می‌دهد که با عناوین گوناگون مانند شرح، تفسیر، حاشیه، تعلیقه، تلخیص و مانند آن نام برده می‌شود. بعضی از این آثار توسط مولفان آنها، موزون با عنوان اصلی کتاب نام گذاری مستقل می‌شود در این صورت تحت عنوان مستقل، ثبت، معرفی و توضیحات در آن نوشته می‌شود مانند جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام تالیف صاحب جواهر و عنوان ارجاعی آن: شرح شرایع الاسلام است. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۸)

۳۴. اصطلاحات درون متنی نسخه‌ها

ترقیمه: در لغت کتابت کردن، آراستن و نقطه نهادن خط را می‌گویند و در اصطلاح، عبارات پایان نسخه را می‌گویند که کاتب پس از دعا و صلوات، از زمان و مکان کتابت یاد می‌کند و بعد به ذکر نام خود می‌پردازد (منظور



شناسنامه نسخه است) البته برخی نسخه ها، ترقیمه ندارند؛ و بعضی هم جعلی اند. از این رو بایسته است بررسی دقیق انجام گیرد.

ظهور: پشت نخستین برگ از نسخه خطی را می گویند. در ظاهر بسیاری از نسخه ها نکاتی مندرج است که از لحاظ نسخه شناسی در خور تامل می باشد. گاهی فقط محل تایید نسخه به دست مولف است، گاهی هم مطالبی از قبیل تاریخ تالیف، تعریف و وصف مطالب کتاب است. و امروزه در نسخه شناسی نگارش های عربی، به جای ظهور از کلمه غلاف استفاده می کنند.

هامش: در کناره های سه گانه صفحات، کتاب یا رساله ای غیر از کتابی که در متن کتابت شده است درج می گردد، یا مطالبی کتابی را به صورت نوشته اند که دنباله مطالب متن هر صفحه، در سه کناره متن همان صفحه نوشته شده باشد را هامش می گویند. (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۶۴)

۳۵. تهیه نسخه پشتیبان

لازم است برای دستیابی به کتابخانه رقومی خطی از هر نسخه خطی، نسخه ای رقومی به عنوان نسخه پشتیبان تهیه شود. تصویربرداری از نسخه خطی به صورت عکس، میکروفیلم یا اسکن صورت می پذیرد. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۱۲)

۳۶. شماره بازیابی در محل

وقتی کتاب خطی به کتابخانه آورده می شود اولین اقدام کتابداران اختصاص شماره ثبت اموالی به کتاب است که معمولاً بر روی شناسنامه، عطف نسخه و دفاتر ثبت نوشته می شود، شماره های ثبت همیشه از یک شروع و آخرین شماره ثبت به معنای آمار نسخ خطی موجود در کتابخانه است، بنابر این شماره ثبت نسخه نقش رده بندی موضوعی را ایفا کرده و در واقع راهنمای کتابدار مخزن خطی است هر چند بازیابی نسخه از مخزن با کمک اطلاع داشتن کتابدار با مجموعه کتب حاصل میشود، اما تمامی ارجاعات به نسخه خطی، از تحقیقات اهل فرهنگ تا نامه های درخواست نسخه، نیازمند شماره ثبت و نام کتابخانه و محل نگهداری نسخه می باشد. (وفادار مرادی، ۱۳۷۹، ۱۲۲-۱۲۳) شماره نسخه در کتابخانه نشان دهنده جایگاه نسخه در گنجینه است ولی باید کوشید که شماره نسخه ساده تر باشد و در کتابخانه به آن یک شماره بیشتر اختصاص نیابد تا نسخه کمتر آلودگی پیدا کند. (مطلبی کاشانی، ۱۳۸۱، ۳۷۵)

۳۷. شماره لوح فشرده

یکی از نیازهای محققان، دسترسی سریع به نسخه های مورد نظرشان است، آنها به فیلم و عکس نیز راضی هستند، که گاهی از همین هم محروم هستند، البته به تازگی وضعیت بهتر شده است و اگر امکانات و تجهیزات فنی تقویت شود واز همه نسخه ها فیلمبرداری شود واز طریق لوح های فشرده قابل دسترسی باشد مراجعان از کتابخانه راضی خواهند بود.



۳۸. شماره میکروفیلم

اخیراً در ایران استفاده از نسخ خطی با امکانات الکترونیکی فعال شده است از جمله می‌توان به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کتابخانه آیت‌... مرعشی نجفی در قم، کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نام برد، این کتابخانه‌ها بیشتر نسخ خطی را میکروفیلم کرده‌اند. ولی امکانات میکروفیلم برای نسخ خطی محدود است به طور مثال اگر نسخه‌ای حدود ۲۰۰ برگ باشد تبدیل آن به میکروفیلم بین ۴ تا ۶ ساعت وقت می‌گیرد و علت آن این است که برگ‌های نسخ ظریف هستند و باید احتیاط لازم صورت بگیرد تا آسیبی به نسخ خطی نرسد. برای ساختن میکروفیلم ابتدا اصل نسخه را باید روی میز دستگاهی به نام کوپکس قرار داد و از روی آن عکس‌برداری نمود و بعد عکس‌ها به تاریک خانه برده شود تا ظاهر شود بعد از آماده شدن در دسترس محققان قرار می‌گیرد. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۱۷) همچنین درج اطلاعات مربوط به نام اثر، نام مولف اثر، تاریخ تولد و وفات مولف، موضوع اثر، تاریخ کتابت، تعداد صفحات و محل نگهداری نسخه هم داخل میکروفیلم قرار می‌دهند. (جابری، ۱۳۸۹، ۲۹)

۳۹. آدرس URL نسخه

پایگاه‌های اطلاعاتی نسخ خطی عاملی برای جذب مردم به ویژه دانشجویان به نسخ خطی است و بسیاری از مردم از این سایت‌ها اطلاعی ندارند، می‌توان چنین سایت‌هایی را از نظر کمی و کیفی تقویت کرد و زمینه را برای آموزش مراجعه‌کنندگان فراهم کرد.

در ایران پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نسخ خطی بیش از پنجاه هزار مطلب وجود دارد که در این پایگاه‌ها جست و جوی نام کتاب، مولف و محل نگهداری نسخه خطی فراهم است. (فدائی، ۱۳۸۶، ۲۱۹) چون عرضه تصاویر تهیه شده از نسخه‌های خطی بر روی سایت، نیازمندی طی شدن مرحله ادیت گرافیکی این تصاویر و نیز استاندارد سازی حجم آنها است پس حتماً باید از بخش گرافیک هم استفاده شود. (عظیمی، ۱۳۸۹، ۱۹)

40. علائم اختصاری نسخه‌ها

تص	تصویری
ح	حواشی
ح-خ	حاشیه خط مولف
ز-ت	زمان ترجمه
ز-م	زمان مولف
سس	خط مولف
ض	ضمیمه
عا	عالی
عا-ن	عالی ونفیس
ف	منحصر به فرد
ل	نسخه اصل



م	مؤلف
مقا	مقابله شده
ن	نفیس
نر	ناقص الاخر
نل	ناقص الاول
صح	تصحیح شده
نلر	ناقص الاول و الاخر
بی کا	کاتب ناشناخته است
بی نا	بدون نام مؤلف
بی جا	بدون درج محل طبع یا کتابت نسخه
بی تا	بدون تاریخ (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸، ۳۵۲-۳۵۳)

جمع بندی :

نسخه های خطی با توجه به قدمت و نفاست آنها باید در دسترس محققان و پژوهشگران قرار بگیرد تا در جنبه های مختلف آنها تحقیق شود و به صورت چاپ و تصحیح شده در دسترس عموم قرار بگیرند. در این صورت است که محتوای این میراث ارزشمند تاریخی و علمی توسط محققان به معاصران منتقل می شود. پس اولین اقدام ضرورت و شناخت نسخه های خطی است. به این منظور باید فهرست نویسی صحیح و مدونی صورت پذیرد تا محققان بتوانند به صورت کامل و صحیح با نسخ خطی آشنایی پیدا کنند. جهت انجام فهرست نویسی یکنواخت ، مدون و ایجاد هماهنگی در سازماندهی منابع خطی ، می بایست هر فهرستنگار با عناصر فهرست نویسی در نسخ خطی آشنایی کافی و وافی داشته باشد که در این مقاله سعی شد با معرفی کامل این عناصر زمینه آشنایی فهرست نگاران و محققان حوزه خطی با فضای سازماندهی مخطوطات فراهم شود.

منابع و مآخذ

اصغری هاشمی، محمد جواد (1388). شیوه نامه تصحیح متون: راهنمای تحقیق و احیای متون خطی. قم : دلیل ما.

افشار، ایرج (۱۳۵۷). صحافی سنتی. تهران: دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

افکاری، فریبا؛ انوار، عبدالله (۱۳۸۵). حدیث عشق: استاد سید عبدالله انوار در جستجوی گمنامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

بیانی، مهدی (۱۳۵۳). کتابشناسی کتاب های خطی. تهران : انجمن آثار ملی.

جابری، امیر (۱۳۸۹). درآمدی بر فهرست نگاری نسخه های خطی برای پایگاه های اینترنتی کتاب. قم : گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی ، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره).



- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۵). **کتاب ایرانی: چهار مقاله در مباحث متن پژوهی، نسخه شناسی و کتاب آرایی**. مترجم ع. روحبخشان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- سلطانی، پوری؛ فروردین، راستین (۱۳۷۹). **اصطلاحنامه کتابداری**. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- عظیمی، حبیب الله (۱۳۸۹). **اصول و مبانی نسخه شناسی در کتب خطی**. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- غلامی مقدم، براتعلی (۱۳۷۷). **"بررسی ویژگی های جلد های نسخ خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی"**. پایان نامه. آستان قدس رضوی، مرکز آموزش ضمن خدمت کارکنان.
- فاضل هاشمی، محمدرضا (۱۳۸۶). **فهرست نگاری کتب خطی: جزوه آموزشی، مشهد: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی**.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶). **آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت).
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹). **نقد و تصحیح متون: مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی**. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). **کتاب آرایی در تمدن اسلامی**. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- مطلبی کاشانی، نادر؛ مرعشی، محمدحسین (۱۳۸۱). **حدیث عشق: دانش پژوه در قلمرو جستارهای نسخه های خطی**. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نصیری امینی، فخرالدین (۱۳۵۷). **روکش جلد و انواع آن در: افشار، ایرج، صحافی سنتی**. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ص ۵.
- وفادار مرادی، محمد (۱۳۷۹). **مقدمه ای بر اصول وقواعد فهرست نگاری در کتب خطی**. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه سمینار نسخه های خطی.